

غلبه کردن بر نارساخوانی : سهم یک مادر در موفقیت پسرش

نویسنده: لورا تراادا^۱

ترجمه: وجیهه... ارزنگی / کارشناس ارشد روان شناسی و آموزش کودکان استثنایی

بدهم در طول تابستان با او کار کنم، به او اجازه‌ی قبولی بدهند. تا هفت ماه تلاش کردیم و از روش دیویس^۸ استفاده کردیم (روشی که کتابی نیز تحت عنوان موهبت نارساخوانی^۹ از رون دیویس^{۱۰} در این باب نوشته شده است). ما برای هشت ماه از روش درمان دیداری^{۱۱} استفاده کردیم. با پرداختن هر روش، اوقات گرانمایی را از دست می دادیم. در عین حال جرمی هنوز هم در مدرسه با مشکل مواجه بود و در بخش خواندن و نوشتن نمره‌هایش بین ۴۰ تا ۴۵ بود. او به سرعت عقب گرد می کرد و به درجات پایین نزدیک می شد گویی که باورش شده بود که واقعاً خیلی کودن است.

بعد از آن، زمانی که تا حد زیادی از دست‌یابی به نتایج مثبت توسط روش‌های به کار گرفته شده، نا امید و خسته شده بودم، مطلبی در مورد آئودی بلاکس^{۱۲} شنیدم که من آن را سرنوشت نامیدم. برای من یک نوار ویدئویی فرستاده شده بود که بچه‌های استفاده کننده از این روش را نشان می داد. من در مورد چگونگی این کشف چیزهایی شنیده بودم اما هنوز مشکوک بودم، تا زمانی که شکل دست نویس کتاب درست خواندن^{۱۳} را به من دادند. متعجب شده بودم؛ زیرا این کتاب بخوبی درباره‌ی تمام آن چیزی که طی دو سال تحقیقات قبلی‌ام خوانده بودم، تحقیق و بحث کرده بود. این کتاب به بسیاری از پرسش‌های من پاسخ داد و مرا به وجد آورد تا آنجا که تصمیم گرفتم به آئودی بلاکس هدیه‌ای بدهم.

نزدیک بود پایه‌ی چهارم تمام شود که تازه ما شروع به کار کردیم. در حالی که فقط پس از سه هفته آثار پیشرفت جرمی آشکار شد. تمرکز حواس او بهتر و مرتب و منظم شده بود. به طوری که ما هر روز نیم ساعت بیشتر برای انجام آئودی بلاکس می رفتیم. او به طور کلی تغییر کرد. تغییرات در الگوی تفکر او که تا آن زمان آماده نشده و مفقود بود،

هرگز فکر نمی کردم این گزارش را بنویسم، اما پسر نارساخوان^۲ من دیگر به نظر نمی رسد نارساخوان باشد. همه‌ی علائم بیماری رفع شده‌اند.

بعد از مطالعات زیادی که در مورد مشکلات یادگیری^۳ انجام دادم، بهبود فرزندم را بعید می دانستم.

وقتی جرمی^۴ در حال اتمام پایه‌ی دوم بود مشخص شد که او نارساخوان است. او از دوران کودکستان تا مدرسه با این مشکل دست به گریبان بود. آزمون‌های انجام شده بر روی او، به لحاظ هوشی^۵ او را متوسط نشان می دادند، اما برخلاف سایر دوستانش قادر به خواندن و نوشتن نبود و این مسأله تأثیر بسیاری بر عزت نفس^۶ او داشت و مشاهده می کردم که پسر کوچک من از یک کودک شاد و راحت به یک کودک افسرده و ناآرام مبدل شده است.

از آن لحظه به بعد برای کمک به او شروع به تحقیق کردم و به خاطر او و خودم قسم خوردم تا راهی برای آسان تر یاد گرفتن او پیدا نکنم از پای نشینم. نمی توانستم باور کنم که هیچ امیدی وجود ندارد. فرزندم همیشه در رابطه با هر چیزی که مربوط به کلمات روی کاغذ بود (کلمات مکتوب) مشکل داشت و این همان چیزی است که طی دو سال تحقیق ثابت شده بود. ما با استفاده از معلمان آموزش ویژه، سعی در استفاده از روش‌های متنوع داشتیم: ارتون، گیلینگام^۷ و خیلی از روش‌های دیگر، اما این فعالیت‌ها نتیجه‌ای در بر نداشت. مدرسه در گفت و گوهایش با من اصرار داشت که جرمی را به عقب برگرداند، طوری که او پایه‌ی دوم و سوم را در یک سال تکرار کند. من تصور کردم اگر او نتوانسته دفعه‌ی اول این آموزش‌ها را کسب کند، چگونه آنها فکر می کنند که این امر (یادگیری) برای بار دوم اتفاق خواهد افتاد؟ پس لازم بود آنها شیوه‌ی تدریس خود را تغییر دهند نه چیز دیگری را. من از نتایج خیلی راضی نبودم. آنها موافقت کردند در صورتی که تعهد

والدین، کسانی که از این شیوه استفاده کرده‌اند، صحبت کرده‌ام. آنها تصمیم گرفتند که آثودی بلاکس را انجام دهند و شروع کنند تا نتایج مثبت آن را ببینند.

اینجا در کانادا ۲ نفر از کسانی که آثودی بلاکس را برای چند ماه انجام دادند، در حال حاضر در حال مشاهده ی پیشرفت‌هایی در تمرکز هستند همان‌طور که ما دیدیم. در آمریکا تعداد کمی هستند؛ یکی از افراد مخصوصاً این برنامه را برای ۴ ماه انجام داده است و نتایج مثبت حیرت‌انگیزی را به دست آورده است، دخترشان به طور چشمگیری در همه‌ی زمینه‌ها بهتر شده است.

من به خودم قول داده‌ام که هر مطلب مؤثری پیدا کردم به هر کس که بتوانم درباره‌ی آن توضیح دهم. در نتیجه آنها سال‌های سال برای پیدا کردن یک راه بیهوده وقت تلف نمی‌کنند. افراد درگیر با آموزش جرمی در ابتدای راه هستند و متوجه هستند که آنها نیز مانند من از نتایج به دست آمده شگفت زده شدند. من و جرمی از صمیم قلب از دکتر استریدام^{۱۵} و سوزان دو - پولیزیس^{۱۶} در جا انداختن این شیوه و آرایه‌ی آن در کتاب «درست خواندن» متشکریم، بدون آن کتاب هنوز هم ما باید اشک می‌ریختیم (گریه می‌کردیم) و به آینده‌ی جرمی امید کمتری می‌داشتیم.

پایه‌ای برای یادگیری او شد. بعد از چند ماه درونی کردن افکارش را شروع کرد. زمان زیادی نیاز داشت تا هر چیزی را تکرار کند و آن را به یاد آورد. احساس جهت یابی او به طرز چشمگیری بهتر شده بود. او قدم‌هایش را درست به کار می‌گرفت. حالا او برای رفتن به خانه‌ی دوستانش در بلوک‌های کمی دورتر، از شرق، غرب، شمال و جنوب آگاهی داشت؛ نقاشی او بهتر شد. او روی جزئیات دقیق بود، برای مدت زیادی، آدمک بدون صورت را نقاشی نمی‌کرد و البته خواندن و درک مطلب او چند ماه بعد خیلی بهتر شده بود.

از زمانی که آثودی بلاکس را شروع کردیم ۱۰ ماه طول کشید. جرمی یازده سال دارد و نزدیک است پایه‌ی پنجم را به پایان برساند. من کارنامه‌ی او را دریافت کردم. او در خواندن نمره ۷۵ و در نوشتن ۷۲ کسب کرد. این نمرات برای یک نارساخوان معروف، خارق‌العاده است؛ کسی که قبلاً به طور متوسط نمره ۴۰ می‌گرفت.

حالا او، می‌تواند برای مدت زمان نامحدودی مطالعه کند. این در حالی است که قبلاً فقط می‌توانست در حدود ۵ دقیقه مطالعه کند. او از هر جهت در حال بهتر شدن است و اعتماد به نفس^{۱۴} او حامی اوست. حالا او در جایی که لازم باشد احساس بزرگی و غرور می‌کند. من با تعدادی از

زیر نویس‌ها:

- | | | |
|--------------------------|-------------------------|-----------------------|
| 1. Laura Trudel | 7. Orton – Gillingham | 13. The Right to Reed |
| 2. Dyslexic | 8. Davis | 14. Self- Confidence |
| 3. Learning Difficulties | 9. The Gift of Dyslexia | 15. Strydom |
| 4. Jeremie | 10. Ron Davis | 16. Susan Du Plesis |
| 5. Intellingence | 11. Visual Therapy | |
| 6. Self – Esteem | 12. Audiblox | |